

عنوان مقاله:

مختصات ناشناخت گرایی دلالت های تجربی دینی

محل انتشار:

اولین همایش بین المللی و دومین همایش ملی روان شناسی و دین (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسنده:

بهمن اکبری - عضو علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور تهران ایران

خلاصه مقاله:

در میان نظریه های مختلف در باب معنا و مفاهیم می توان به دونظریه شناخت گرایی و ناشناخت گرایی اشاره کرد، براساس نظریه شناختاری مفاهیم و گزاره هایی معنا دارند که صدق پذیر و ابطال پذیر بوده و از سنخ گزاره های ناظر به واقع باشند (رویکردهای طبیعت گرایی و شهودگرایی). در مقابل، نظریه ناشناخت گرایی، گزاره ها و مفاهیمی که ابطال پذیر و توجیه پذیر نبوده و بعبارتی از سنخ گزاره های ناظر به واقع نباشند را گزاره های بی معنا و غیر معرفت بخش می دانند (رویکردهای احساس گرایی و توصیه ای) و چنین گزاره هایی از سنخ زبان احساسی و عاطفی توصیه ای اند. یونگ با پیشبرد رهیافت تجربی و ناتورالیستی و با تاکید بر شهود و حس و تجربی دینی با پذیرش ضمیرناخودآگاه جمعی به عنوان منشا و ریشه ی کهن الگوها از جمله خدا و دین در ضمیر ناخودآگاه بنحو مشترک، از طرفی با فراکتی روان خود فرد، سعی کرده برای خدا و دین و مفاهیم دینی نقش کارکردی ابزاری در محدوده ی تسلی بخشی به روان بویژه به بیماران روان رنجور ببخشد و از طریق تحلیل های شخصی و درونی رویاهای آنها، رویکردی مثبت در باب دین و خدا اتخاذ کند. چنان که بارها تاکی می کند حیطه ی مطالعاتی او روانشناسی با رویکرد پدیدارشناسانه بوده و در صلاحات او نسب به تبیین های فلسفه و مابعدالطبیعی در باب خدا و دین بپردازد. در حالی که با وجه به تحلیل های خود او در تبیین مفاهیم دینی و خدا، پا را فراتر گذاشته و به حوزه های معرفت شناسی مابعدالطبیعی فلسفی و فلسفه دین هم توجه وافری داشته است

کلمات کلیدی:

روانشناسی دین، مختصات رویکرد یونگ، رهیافت تجربی دینی، خدا و دین، ناشناخت گرایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1840821>

